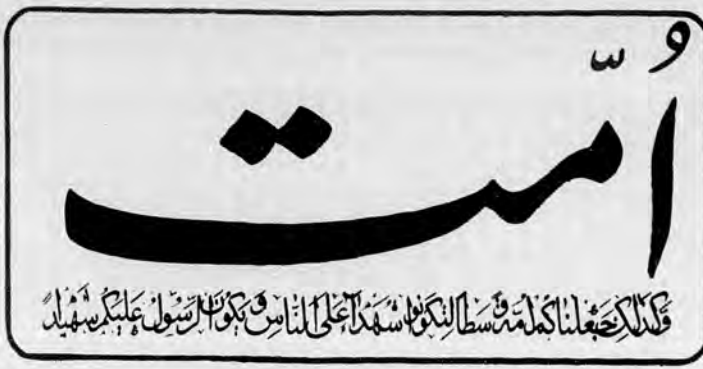


سال ۵۶ آغاز سر فصل نوین مبارزات ملت ایران علیه رژیم وابسته شاه و علیه امپریالیزم امریکا و متحدین آن میباشد. قم شهر پر خروش و غوغا، آغازگر این حرکت جدید است حرکتی که از قم علیه توطئه‌های رژیم آغاز گشت، بعکس آنچه رژیم می‌پنداشت هرگز خاموش نگشت، و خود جرقه قیام سراسری و بالاخره سرنگونی رژیم گردید. طومار رژیم بدست توانای مردم در ۲۲ بهمن در هم پیچید و آنجیزی که فرعونیان از آن هراس داشتند تحقق یافت. شهادت حماسه آفرینان ۱۹ بهمن و دیگر شهدای انقلاب بر ملت رزمنده و پرامام سازش ناپذیر گرامی باد.



بیانیه جنبش مسلمانان مبارز در رابطه با تهدیدهای اخیر امپریالیسم آمریکا

در صفحه ۱۲

نشریه جنبش مسلمانان مبارز

دوشنبه ۱۵ دی ماه سال دوم شماره ۹۰

حماسه مقاومت مردم خوزستان

نتیجه جنگ هر چه باشد، حماسه دلاوریهای مردم خوزستان، همچون مبارزان قهرمان تل زعتر و... در تاریخ خونبار خلقهای تحت سلطه امپریالیزم ثبت خواهد شد.

مردم قهرمان خوزستان که اکنون طلایه داران جنگ تحمیلی بر علیه امپریالیزم هستند، در تاریخ فردای ایران، بعنوان پاسداران شرف و انسانیت، شناخته خواهند شد، و جانشان را در گرو آزادی و استقلال و غلبه بر دشمن گذاشته اند. یقیناً فرزندان انقلابی فردای تاریخ ایران از دامان مادرانی زاده خواهند شد که هم اکنون در دزفول و اهواز و... بمبارزه خود ادامه میدهند و سگر را خالی نکرده‌اند و بجزرات می‌توان گفت مردم خوزستان و کسانی که تاکنون بیش از سه ماه در برابر دشمن مقاومت کرده‌اند و از این ابتلاء و آزمایش موفق بیرون آمده‌اند، پشتوانه محکمی جهت حفظ و تداوم دستاوردهای انقلاب در آینده خواهند بود.



ما به پدران، مادران و فرزندانمان که برای حفظ انقلاب از ضرباتی که دشمن بر آن وارد میسازد، بی‌هیچ دریغ و مضایقه‌ای و با کمال خلوص، تنها برای پاسداری از خون بقیه در صفحه ۹

دیدگاه‌ها (۳)

در صفحه ۲

سیاست خارجی و ماجرای تهیه اسلحه

در صفحه ۳

دولت؛ سیاست نه شرقی نه غربی و گروه‌ها

در صفحه ۳

آیا:

تنها با تهیه سلاح جبهه ما در مقابل امپریالیسم تقویت میشود؟

در صفحه ۸

معیار تصفیه چیست؟

در صفحه ۱۰

تضاد قدرت، جبهه انقلاب و تمهیدات تازه سازشکاران

اعزام سفیرانی از جانب این جریان (سازشکار) و اطلاعاتی که از اوضاع داخلی آنان در اختیار منابع غربی میگزارند می‌تواند در تنظیم سیاست های اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی دول امپریالیستی و هماهنگ ساختن آنها با سیاست داخلی موثر واقع شود.

با تشدید جنگ قدرت بین دو جناح از یکطرف و انفکاک و جدائی بین خط انقلاب و حرکت توده‌ها و رهبری از یکسو و جریان سازشکار و قدرت طلب از سوی دیگر، این محافل برای تقویت مواضع و از بین بردن موانع و غلبه بر خط انقلاب (امام و امت) به تلاشهای گسترده و نوبتی دست میزنند. یک جناح همچنان بی‌سروصدا مواضع خود را در هرم قدرت و دستگاهها تثبیت و عناصر کاملا وابسته و مطیع را جایگزین می‌نماید و یک جریان بر تبلیغات خود برای ساختن جو مصنوعی و جلب حمایت افکار عمومی می‌افزاید و از همه شیوه‌های تجربه شده و اشخاصی که در این نوع کارها - جو سازی - تفرقه اندازی - جلب افراد و شخصیت‌ها - تشکیل باندها و خلاصه به اصطلاح در "سیاسی کاری" ید طولانی دارند، استفاده می‌نماید. این جریان برای رشد و تسلط بر قدرت دو مینا یکی در داخل و دیگری در خارج دارد. مینای داخلی رشد جریان سازشکار، استفاده از نقطه ضعفهای رقیب و القاء این فکر در مردم است که طرف مقابل وابسته به شوروی و دنیا لورو حزب توده است و زیرگانه از هر نقطه ضعفی برای جلب و جذب اقشار مختلف جامعه و در وهله اول آنهاست که تمایل طبیعی به آن دیدگاه دارند، بهره‌برداری می‌نماید. مدت‌هاست که بیگان فشار تبلیغاتی آن روی ارتش و قشرهای تحصیل کرده و متخصص و کارمندان و مدیران و اقشار مرفه‌الحال هدف گیری شده و با توجه به موقعیت بسیار ضعیف و حتی منفی که طرف مقابلش در میان اقشار فوق دارد، بخوبی توانسته است آنها را در

خطراتی که از ناحیه امپریالیسم و در رابطه با جریان سازشکار، انقلاب را تهدید می‌کرد، سبب تشکیل جبهه جدید و گسترده‌ای در میان مردم و پیروان خط امام گردید که اگرچه در مخالفت با جریان سازشکار از نظر شکل با حزب همسو میباشند لکن انگیزه‌هایشان با رهبری حزب تفاوت دارد. جریان سازشکار تا وقتی فقط حزب را در برابر خود داشت، به پیروزی سریع و قطعی خود امیدوار بود، زیرا خارج کردن حزب از میدان رقابت با توجه به نقطه ضعفها و موقعیت منزلی که در میان مردم داشت، کاری بس آسان بود. جریان سازشکار توانسته بود با قراردادن حزب در برابر خود و با تبلیغ روی این تکیه که گویا فقط دو محور یا قطب وجود دارد که یکطرف آن حزب است، تعداد قابل ملاحظه‌ای از آزادیخواهان و افراد مترقی و روحانیون مبارز را هم جذب کند، جذب توده‌های ناراضی هم بدلیل ضدیت با حزب با موفقیت انجام گرفت. اما از وقتی که بسیاری

بقیه در صفحه ۱۰

شیوه برخورد اصولی و روش استدلال عقلی و منطقی!

در صفحه ۱۰

رأیاموزیم

کارگران کوره پزخانه هراز را دریابید

فرماندار آمل بجای این که حق مسلم کارگران راز دست کارفرمای سرمایه دارو استثمارگر که دارای چند دستگاه ساختمان مسکونی و پاساژ در آمل و سه دستگاه منزل مسکونی در پلور پشت منظره و باغ بزرگ در پشته کت و معدن آهنک و سرب و دارای ساختمان مسکونی در تهران می باشد و بیشترین اوقات زندگی خودش را در تهران و اروپا و آمریکا می گذراند، بگیرد به نماینده کارگران می گوید که، دست آمریکا از آستین شما در می آید.

داری یک دانگ میباشند. تعداد کارگران کوره ۸۶ نفر هستند که بین ۲ الی ۲۳ سال سابقه کار دارند. کارگران بخاطر سختی کار و نبود بهداشت، عموماً "ضعیف بوده و احساس بیماری میکنند. این کوره دارای دو قمبر است و میزان تولید آن ۶۰ - ۵۵ هزار آجر است (روزانه). کارگران بیمه‌بازنشستگی نبوده، ولیکن بیمه بهداشتی هستند. اکثر قریب به اتفاق کارگران از روستاهای اطراف کوره پزخانه هستند. کارگران این کوره بیمانی کار می‌کنند. بعد از انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام سازش‌ناپذیر خمینی کبیر و مردم قهرمان ایران، کارگران و دهقانان انتظار نابودی رابطه استثمار را داشتند و برای مبارزه با این روابط ضد توحیدی، انتخاب شورای کارگران را ضروری دانستند. لذا در این کوره، کارگران ۵ نفر را بعنوان نمایندگان خود انتخاب کردند. طبق بخش‌نامه وزارت کار دولت موقت در تاریخ بدشماره ۱۱۷۲۷ مبنی ۵۸/۴/۲۴

بدینال درج گزارشی از کوره پزخانه هراز در امت ۸۵ که نواقصی داشت، بر آن شدیم که علاوه بر رفع نواقص گزارشی از فرجام کار کارگران در مورد دریافت حقوق حقه خویش، آگاه شویم. لذا بدینال چند روز دیدار و صحبت با کارگران و نماینده

مباحث ایدئولوژیک دکتر حبیب‌الله پیمان

سیئات الجرائم و هون موبقات العظام حتی اذا استدرج قرینته و استغلق رهینته انکر ما زین و استعظم ما هون و خدر ما امن (نهج البلاغه / خطبه ۸۲) شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم گسیکه بوسیله آنچه انذار داده جای عذر باقی نگذاشته و بوسیله آنچه آشکار کرده حجت تمام کرده، شما را از دشمنی بر حذر داشته که در سینه‌ها پنهانی نفوذ می‌کند و در پوش خیرخواهی در گوشها سخن می‌گوید پس شخص را گمراه و تباهن می‌سازد. و عده می‌دهد و آرزومند می‌سازد. جرائم را بقیه در صفحه ۷

دنباله مبحث تضاد:

در جای دیگر کیفیت نفوذ و رشد عوامل

شیطانی در سینه‌های مردم را در لباس حق خواهی و صلاح و خیر مردم تشریح می‌کند و مشخص می‌کند که چگونه نیروی ضد حق تدریجاً در کنار و در سینه آن رشد می‌کند و تسلط می‌یابد "و صیقم بتقوی الله الذی اعذر بما انذر و احتج بما نهج و حذر کم عداوا" نفذ فی الصدور خفیا " و نفث فی الالذان نجیا " فاضل واردی و وعد فمنی و زین

دروود بر شهیدان - سلام بر خمینی - پاینده باد انقلاب اسلامی ایران

سیاست خارجی و ماجرای تهیه اسلحه

کمتر کسی مخالف آنستکه دولت و ملت باید در برابر تجاوز عراق و تجاوزات احتمالی دیگر از جانب مزدوران امپریالیسم و یا در برابر هر نوع مداخله نظامی امپریالیستها نباید دفاع کرد، و نیز همه در نقش اسلحه و مهمات در پیروزی یا شکست تجاوزات دشمن متفق القولند.

و همچنین کمتر کسی است که نداند در حال حاضر ما قادر نیستیم در داخل کلیه سلاحهای مورد نیاز را تهیه و تولید کنیم و با ادامه جنگ از جانب امپریالیستها و حکومت بعث عراق و با توجه به برنامههای آتی آمریکا در روش کردن آتش جنگها و اغتشاشات تازه، در نقاط دیگر کشور، ذخایر اسلحه و مهمات ما رو به کاهش می‌گذارد. اما بعضی محافل و جریانات سیاسی و گروهها هستند که با وجود قبول موارد بالا، در مورد سیاست تهیه اسلحه و مهمات بنحو قابل تاملی خود نشان می‌دهند. البته اگر از ماهیت این گروهها یا انگیزه‌های اصلی آنها در این تحلیل‌ها بی‌اطلاع باشیم، بسیار دشوار است معانی اظهارنظرهای مزبور برابمان روشن شود. لیبرالها و چپ‌های وابسته به این دولت برای تهیه اسلحه به لیبی و سوریه و

نیستیم، اگر بگوئید همان تفنگ ژ-س و سلاحهای نظایر آن ما را بس است و مردم با سهرامی و کوکتل مولوتف و تفنگ خواهند جنگید، اگرچه جنگ درازمدت شود، اگرچه دشمن قسمتی از خاک میهن ما را موقتاً اشغال نماید، که این نیز با نظریات قبلی آنها، در مخالفت با جنگ درازمدت مردمی مغایرت دارد. فراموش نکرده‌ایم که در تحلیلهای متعدد خود چه اتهاماتی بنا وارد کردند که چرا از جنگ درازمدت مردمی صحبت کرده بودیم و آنکه صرف به جنگ کلاسیک را انتقاد کرده، دقیقاً یکی از عوارض آترانیازمندی شدید به سلاحهای مدرن و پیشرفته قلمداد نمودیم که چون در داخل کشور تهیه نمی‌شود بالاچار باید از منابع خارجی تهیه کنیم. حال از زعمای این گروهها و نویسندگانشان و دیگر لیبرالهای قلم‌بست که این روزها سراسر جرایدشان را حمله به دولت بخاطر اعلام تصمیم به تهیه اسلحه از هر منبعی، پر کرده است، سوال می‌کنیم شما چه توصیه‌ای به دولت دارید و معتقدید سلاح از کجا باید تهیه کرد. اگر بکلی احتیاج نداریم توضیح دهید و در غیراینصورت مین کنید از چه منابع و دولت‌هایی بخریم تا وابستگی موجود نیارود؟ از آمریکا و منابع آمریکائی

دولت؛ سیاست نه شرقی نه غربی و گروه‌ها

این‌ایام درباره ماهیت دولت، سیاست نه شرقی و نه غربی، و کیفیت مواجهه با امپریالیسم و تجاوزات احتمالی آمریکا، خرید اسلحه، سرنوشت گروگانها و سازش یا مقاومت... بازار آشفته‌ای پدید آمده و بعضی گروهها و سازمانها به تناقض‌گویی شدیدی افتاده‌اند. تعدادی از گروهها و جریانات سیاسی مثل گروهها و محافل لیبرالی و متحدین آنان از پیروان نظریه سمجھانی و مائوئیست‌ها و متحدین کمونیستهای آمریکائی کماکنون حول محور لیبرالیسم حاکم عمل می‌کنند و وظیفه نظریپردازی و دادن خط و ربط به آترانها برعهده دارند و سازمانهای باصلاح چپ هر یک با دسته از روی تحلیل و انگیزه خاص خود دولت را مرتجع می‌شمارند. در اینجا قصه نداریم از کم و کیف این برخورد و مساله ماهیت دولت بحثی بیجان آوری، ما نظر خود را درباره ماهیت دولت از ابتدای تشکیل آن با صراحت بیان کردیم، ابهامی که برای بسیاری پدید آمده اینستکه تا آنجا که از عملکرد و سابق ارتجاع در ایران در دست داریم و تاکنون همه گروهها و سازمانهای "ضد ارتجاعی" بر آن تاکید داشتند، یکی از ویژگیهای مرتجعین در ایران - کار به جاهای دیگر نداریم - ضدکمونیست بودن آنان است و همین ضدیت با کمونیسم آنانرا به ضدیت با شوروی هم می‌کشاند و ویژگی دیگر در همین رابطه تمایل طبیعی به کشورهای غیر و یا ضدکمونیستی و در راس آنها مالک سرمایه‌داری غربی است.

تحلیل بخشی از این گروهها این بوده است که ارتجاع حاکم با ماهیتی که دارد، پایگاه امپریالیسم است و هدفش وابسته کردن کشور به امپریالیستها است و اصولاً دولت و حکومت ارتجاعی را در خدمت آمریکا و زیر چتر حمایت سیاسی می‌شناسد (از جمله به قضایا و تحلیل‌های مربوط به جریان سعادت‌ی رجوع کنید) بعضی گروههای اخیر در تقسیم‌بندی کلی خود شوروی را در جهان ضدامپریالیسم قرار می‌دهند و بهمین دلیل بود که مثلاً سازمان مجاهدین به خود حق می‌داد تا در مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه از شوروی کمک بخواهد و چنانکه خود اعتراف کرده است، در گذشته از طریق فلسطین و بعد از انقلاب مستقیماً توسط سعادت، از امکانات و اطلاعات آنان در مبارزه علیه آمریکا سودجویی نماید. طبیعتاً این جریانات باید هر نوع دوری و ضدیت با امپریالیسم و نزدیکی به کشورهای ضدامپریالیست و دست‌بندی‌شده در بلوک سوسیالیست یا غیرمتعهد... را قدمی مثبت تلقی نمایند. در تحلیل این گروهها تاکنون خوانده‌ایم که دولت مرتجع و حاکمیت ارتجاعی دائماً در راه سازش آشکار و پنهان با آمریکا قدم برداشته و اشغال سفارت و گروگان‌گیری هم یک توطئه بیش نبوده است. و حتی گفتند که دولت رجائی در سفر به نیویورک مذاکرات و سازشکاریهای پنهانی داشته، یا رفسنجانی در سفر به الجزایر پنهانی با امریکائیکها ملاقات و سازش کرده است و یا درباره محاکمه سعادت گفته شد که این اقدام معلول سازش با آمریکا در مساله گروگانها بوده و یا نامه‌هایی که بین دولت و امریکائیکها از طریق الجزایر مبادله شده، همه مبین سازش با آمریکا میباشد و تقاضای افشای نامهها را داشتند و یا مدعی شدند که دلالت رژیم برای خرید اسلحه از امریکائیکها کرده‌اند و از این قبیل ادعاها. همه این اتهامات و ادعاها با ماهیت ارتجاعی و وابستگی که برای دولت قائل بودند، هماهنگی داشت، اما در عمل در تبیین این مساله دشواریهایی بوجود آمد. انتشار متن مذاکرات و گفتگوهای دولت در نیویورک نشان‌دهنده که توافق و سازش خاصی در میان نبوده و انتشار متن نامهها و جوابیه‌های ایران و آمریکا در مورد گروگانها هم که طالب آن بودند، باز از سازش و خیانت چیزی در بر نداشت (این شیوه برخورد ما را بیاد شیوه‌های حزب توده در برابر مصدق می‌اندازد که بعضی اعلام ورود یک هیئت نمایندگی از جانب انگلیس با آمریکا و تا قبل از افشا و اعلام نتایج مذاکرات، بطور قاطع اعلام می‌کردند که مصدق سازشکار تن به خیانت داد و با اربابان انگلیسی و امریکائی‌اش کنار آمد تا چند روز بعد معلوم میشد که سازش در کار نبوده، ولی هر نوبت همین قضیه تکرار میشد).

اما اکنون در قضیه گروگانها این سازمانها دچار اشکال تازه‌ای شده‌اند. اول اعلام کردند که دولت سازش کرده است (در اینکه

اهمیت دارد، ماهیت یک جریان است. آنجا که نوشتیم پیامبر از کاربرد شمشر رومی دریغ نمی‌کرد، بین جریان پیامبر و جریان عربهای غسانی شام تفاوت گذاشتیم اگر غسانیها شمشر رومی می‌گرفتند بدلیل وابستگی‌شان به امپراطوری روم چاره‌ای نداشتند جز آنکه آتران در خدمت رومیها بکار برند اما جریان پیامبر وابسته نبود و لذا شمشر رومی را علیه جریان شرکت و استکبار بکار می‌برد. این مطلب را آقایان لیبرالها و متحدیشان از مائوئیست‌ها و چپ‌های امریکائی توجه ندارند، یا نمی‌خواهند درک کنند. این چه برداشت نادرستی از نه شرقی و نه غربی است که چماقی شده برای کوبیدن مخالفان. روزیکه ما تبیین خود را از این اصل ارائه دادیم، مرتجعین و قشریون و عناصر تشکیل‌دهنده دولت فکلی متهم ساختند که طرفدار شوروی هستند و اصل نه شرقی و نه غربی یعنی اینکه هیچ‌برابطه‌ای با شرق نباید داشت. اما حالا خودشان پیشرو رابطه با شرق و خرید اسلحه از آنها شده‌اند. جرات لیبرالی و دفتر رئیس‌جمهور و وابستگان به آن، هر نوع مخالفت با آمریکا و اروپا را بحساب حزب توده و یا وابستگی به روسیه می‌گذارند بطوریکه ما را هم در همان خط رده‌بندی می‌کنند. آنها آگاهانه تحلیلی را که ما در مورد تجاوز شوروی به افغانستان یا سیاست - های وی در مورد اریتره و نظایر آن داده‌ایم، نادیده می‌گیرند و اینکه ما بارها و بارها سیاست سلطه‌جویانه شوروی را محکوم و برای قراردادهای و امتیازات اقتصادی‌اش در کشورهای وابسته ماهیت استعماری قائل شده‌ایم، با بی‌تقوایی تمام ننیده گرفته‌اند بویژه از این حقیقت تغافل میکنند که بارها تاکید کردیم که لیبرالها و مرتجعین نمی‌توانند به اصل نه شرقی و نه غربی معنای نفع هر نوع وابستگی به قدرتهای سلطه‌جو و آنان و سیاستهای اقتصادی و سیاسی‌شان خواناخواه کشور را به وابستگی می‌کشاند. اما هر دو جریان تعبیر و

اکنون همه محافل لیبرالی و متحدین آنها، دولت را در حال وابسته شدن به شوروی - شرق - می‌دانند و معتقدند از سیاست نه شرقی و نه غربی عدول کرده‌اند در حالیکه گروهها و سازمانهای دیگری که در عین حال هم صدا و هم گام لیبرالها هستند، دولت را در جهت وابستگی به غرب می‌دانند.

تفسیری که از این اصل دارند، یک‌جانبه است. طرفداران آمریکا یا اروپا و زاین و یا طرفداران نظریه‌سمجھانی و نیز مرتجعین و قشریون هر یک از این اصل نفی رابطه با یکی از قدرت‌ها و ضدیت با آن و تجویز ضمنی وابستگی به طرف مقابل را در نظر دارند.

ما بر اساس اصل اصالت به درون معتقدیم که کیفیت رابطه با عوامل خارجی و نتایج آن بستگی به ماهیت جریان داخلی دارد. یک جریان حق اولاً نسبت به هر پدیده باطل چه در شرق و چه در غرب دشمن است و مخالفت می‌کند. برخلاف ادعا و یا تغافل بسیاری، ما دخالت شوروی را در افغانستان و در موارد مشابه محکوم کردیم، اما خواستهای و وابستگان میکندند شوروی چنانکه لیبرالها و وابستگان میکنند خنجر دشمن اصلی را پنهان کنیم. وقتی نوشتیم مرزهای ما تا هر جا که مبارزه با استعمار است ادامه دارد، نشریه‌های آتران مدرک جرم گرفت. نفهمیدیم در این کلام چه اشکالی هست؟ اگر کسی بگوید از مرزهای جغرافیائی و خود خارج نمی‌شویم، که مسلماً اعتراض می‌کنند و حق هم دارند که بپوشانند. این است و نمی‌شود با خارج رابطه نداشت، اگر بنویسیم که رابطه ما با ملتها و دولت‌های ضد استعمار است، مستمسکی‌کنند که منظورشان رابطه با شوروی است. پس شما بگوئید چه نوع رابطه و با کدام کشورها یا جریانات خارجی را تجویز می‌کنید؟ اگر ملتها و دولت‌های ضداستعمار نه پس با استعمارگران و امپریالیستها را توصیه می‌فرمائید؟! -

جانب دولت هر مقدار اسلحه که لازم باشد در اختیار دولت بگذارند، حتماً این سازمانها متوجه هستند که دولت به جرم برقراری رابطه نزدیکتر با مالک ضد - امپریالیست مورد سخت‌ترین حملات لیبرالها و چپ‌های امریکائی و طرفداران اروپا و زاین و چین قرار گرفته است.

ما همیشه اضعف و تزلزل‌دولت در مبارزه ضدامپریالیستی بدلیل حاکمیت جریانات قشری و تنگ‌نظرانه بردستگاههای مملکت صحبت کرده‌ایم و معتقد بوده‌ایم که هشیاری ملت و همه‌توزهای انقلابی می‌تواند جلوی هرنوع عقب‌نشینی در برابر فشارهای دشمن را بگیرد، اما حال وظیفه این سازمانهاست که تناقضات مزبور را روشن سازند.

سیاست‌نه شرقی و نه غربی هم مستمسکی شده است برای هر کس که دیگری را به وابستگی به شرق یا غرب متهم سازد. اکنون همه محافل لیبرالی و متحدین آنها دولت را در حال وابسته شدن به شوروی - شرق - می‌دانند و معتقدند از سیاست نه شرقی و نه غربی عدول کرده است، در حالیکه گروهها و سازمانهای دیگری که در عین حال هم صدا و همگام لیبرالها هستند، دولت را در جهت وابستگی به غرب می‌دانند.

دسته اول مدعی هستند که سربازان در جبهه از اینکه با اسلحه روسی می‌خواهند ایران را گورستان امپریالیسم کنند، شدت ناراحت و خشکین‌اند. عناصری از دولت که تا دیروز وابسته‌های با غرب و آمریکا مرتجع معرفی می‌شدند، حالا متهم شده‌اند که وابسته به شوروی و حزب توده هستند و هیچکدام روشن نمی‌کنند که تکلیف دولت در قضیه خاص تهیه اسلحه چیست. و سازمانهای که بهرحال دفاع در برابر تجاوز عراق و آمریکا را لازم میدانند، معلوم نکرده‌اند که نیازی به تهیه سلاح هست یا نه و اگر جواب مثبت است از کجا باید تهیه کنند؟

ما نظر خود را در این باره بیشتر داده‌ایم و معتقدیم که در وهله اول آنچه



ما را بگوید که دولت سازش کرده است (در اینکه



که قطعاً توصیه نمی‌کنید، شاید از اروپا و زاین و چین و... با کشور دیگری را معرفی خواهید کرد. نمی‌دانیم شاید هم اسرائیل را (قضیه دستور خرید اسلحه یوزی اسرائیلی برای شهبانی رافرموش نکرده‌ایم). مسلم است که کشورهای تولیدکننده سلاح شخص و محدودند، امیدواریم بگوئید که خرید اسلحه از اروپا و زاین یا چین و مالک وابسته به این قدرت‌ها وابستگی نمی‌آورد. زیرا اگر خرید اسلحه از کشورهای وابسته به شوروی وابستگی بدنبال داشته باشد، مسلماً برای اروپا و زاین هم این مطلب صادق است، مگر آنکه معتقد باشند از یک کشور نباشد، از مالک و منابع مختلف اسلحه تهیه شود که در اینصورت باید سیاست دولت را تأیید و حمایت کنند زیرا دولت در گفتار و در عمل هر دو از منابع مختلف و از هر جا که بتواند، سلاح می‌خرد و صرفاً بیک منبع خاص رجوع نمی‌کند. تا اطلاع از پاسخ این گروهها و محافل سیاسی به سوال فوق، در حال حاضر از اظهارنظر و تحلیل بیشتر درباره نیت واقعی آنها خودداری می‌کنیم، بویژه که بنظر می‌رسد دولت گفته است از هر طرح پیشنهادی که چگونگی شرایط و منابع تهیه اسلحه را تعیین کند، بنحویکه منجر به وابستگی کشور و ارتش نگردد، استقبال می‌کند. خوب است آقایان طرحهای پیشنهادی خود را برای اطلاع عموم در جرائدشان چاپ و منتشر سازند و در روزنامه‌ها و نشریات متعدد که این روزها از حمله به دولت بخاطر تصمیم به خرید اسلحه از هر جا که بشود، پر است بنویسند، شما که مخالف خرید اسلحه از سوریه و کره و شوروی و... هستید کدام کشور را به دولت توصیه میکنید که از آن اسلحه خریداری کند؟



بقیه از صفحه ۱

مباحث ایدئولوژیک
دکتر حسین آینه پیمان

مقوله‌های اساسی مکتب

آرایش می‌دهد و گناهان بزرگ و هلاک‌کننده را آسان جلوه می‌دهد تا آنکه تدریجا "هم- نشین خود را فریب داده در گروه تابعی خویش در می‌آورد اکنون - آنچه رینت و آرایش داده بود منکر می‌شود و آنچه آسان و نمود کرده بود بزرگ می‌شود و از آنچه ایمن کرده بود می‌ترساند .

حق نیز در دل باطل رشد می‌کند و به عبارت دیگر باطل هم با عملکرد خود زمینه رشد ضد خود را که حق است فراهم می‌نماید این اصل در مورد باطل بیشتر صدق می‌کند تا درباره حق زیرا در بینش توحیدی، اصالت با حق است و سرانجام در پی هر نبرد سرنوشت ساز حق پیروز و ماندنی است و باطل شکست خورده و مغلوب شدنی، "ان الباطل

غلبه نهایی و تکامل حق فراهم شود . از این رو بهتراست بجای پرورش دلایل اعداد ، عبارت مبارزه دلایل اعداد را بکار ببریم زیرا آنچه نیز مسلم است باطل نیست نمی‌شود و قوه بازدارنده یا ارتجاعی تا آخر به حیات و فعالیت ادامه می‌دهد و لذا حق را دائما "به مبارزه می‌طلبد - اگر قرار باشد در دل هر حقی باطلی آنچنان رشد کند که قدرت را از دست وی خارج کند و اگر این اصل ثابت باشد در اینصورت یا باید امت واحدی جهانی تشکیل نشود و یا اگر هم پدید آمد بلافاصله بر اساس اصل پرورش دلایل اعداد پس از چندی جای خود را به حکومت جهانی باطل بدهد مبارزه دلایل اعداد قانون عام و حاکم بر حیات همه پدیده هاست - برطبق این قانون در بررسی و مطالعه هر پدیده بطور قطع باید در جستجوی ضد آن برآمد هر چند این ضد در حالت مخفی (کمون) هم باشد و ظهور و بروز نداشته باشد . در وجود هر انسان با تقوی و صالحی هم ضدی از آرزوها و هوسها نهفته است و لازمه ادامه حرکت تکاملی و تعالی بخش آنستکه فرد یا جریان اجتماعی ضد خود را بشناسد و ضمن مبارزه با آن هم از رشد آن جلوگیری کند و هم خود را تعالی بخشد پس جریان حق ضمن مبارزه با ضد خود رشد می‌کند و در هر مرحله ، گام‌تر از گذشته ظهور می‌کند اما اگر جریان حق از مبارزه با ضد خود دست کشید بی شک تدریجا "مغلوب ضد خود می‌گردد و ناچار روزی تسلیم سلطو

اگر بسناری انقلابی یا رهبری نهیسی نتواند ضد خود را در هر لسان بر و جلوه‌هایی که هست - و در هر مرحله بدرستی بشناسد و با آن به مبارزه برخیزد بدون تردید محکوم است که به ضد خود تبدیل شود و راه را برای تک حاکمیت ارتجاعی باز کند .

قادر آن می‌شود . پس هر شخصیت یا جریان اجتماعی برحق که در مسیر سنت های تکاملی الهه گام بر می‌دارد ، در مبارزه با باطل "ضد خود" نه فقط جلوی رشد آنرا گرفته بلکه آنرا به نردبان ترقی خود تبدیل می‌سازد ، همه نظامات استکباری در طول تاریخ بستر پرورش و رشد جریانات برحق بوده اند ، اما تنها آندسته از نظامات یا جریانات و یا شخصیت های برحق در تاریخ به پرورش باطل در بطن خود کمک کرده اند که از شناختن ضد خویش و یا مبارزه علیه آن عاجز مانده نتوانستند از آن بصورت عاملی برای رشد و پیشرفت خود استفاده کنند برطبق این اصل یکی از علل اصلی شکست و یا انحراف نهضت های اصیل فکری و اجتماعی غفلت و یا کوتاهی از شناسایی جریانات ضد آن می‌باشد که در کنار

نفس یا شخصیت است - یا دو شخصیت که گاهی این و گاهی آن یک بروز دارد پس با دو پدیده روبرو هستیم و نه یک پدیده و لذا تضادی در درون نیست بلکه دو پدیده متضاد هستند در کنار هم و مستقل از یکدیگر و یا این سوال پیش آید که انسان بین وسوسه ها و خواسته های دو قوه گیر کرده است و ناچار زمانی سخن این یک و زمانی الهامات آن یک را گوش می‌دهد و دنبال می‌کند پس انسان یک نفس یا اراده دارد جدا و دو قوه هم دارد -

اگر در قرآن تک جا از نفس لوامه و تک جا از نفس اماره با لوسو سخن به میان می‌آورد - نباید تصور شود برای انسان چندین نفس یا شخصیت مستقل قائل است بلکه اینها بیان قوا و یا حالات نفس اند .

جدا و اراده انسان یا نفس انسان تحت تاثیر آن دو قوه است یعنی در حقیقت سه عامل در انسان هست . در توضیح این موضوع باید خاطر نشان سازیم که انسان در کلیت خود یک پدیده واحد بیش نیست و تجزیه شخصیت انسان ، به چند جزء ، یا قوه و نفس مستقل از هم ، موجب گمراهی در شناخت این پدیده می‌شود ما هر فرد انسان را از اعمال و عکس العمل - هایش می‌شناسیم - آنچه هویت یا ماهیت شخص را نشان می‌دهد تظاهرات فکری و عملی و عاطفی اوست - هر فعل و انفعالی در درون شخص جریان داشته باشد و هر تعداد اجزا و عوامل دست در دست هم بکار مشغول باشند هیچوقت نتیجه اعمال تک تک آنها نیست که در رفتار و شخصیت فرد ظاهر می‌گردد ، بلکه همیشه نتیجه نهائی مجموعه (ارگانیک) اعمال همه عوامل و اجزا بصورت واحدی تظاهر می‌نماید . مثلا " شما دوست خود حسن را با خصوصیاتی می‌شناسید که هر وقت اسم وی را ببرند آن خصوصیات در ذهن شما زنده می‌شود و با مشاهده آن خصوصیات اخلاقی بیاد حسن می‌افتد . ممکن است دوست شما همیشه رفتار و اخلاق یکسانی نداشته باشد ، مثلا "در خانه در میان زن و فرزند تند و بدخو و در میان دوستان نرمخو و نزد روسا و مدیران مطیع و سربزبر باشد با وجود این اختلاف رفتار حسن شخصیت واحدی بیش ندارد . نادرست است اگر گفته شود حسن دو یا بیشتر شخصیت دارد که قابل تفکیک از هم است و یا هر کدام یک پدیده واحد و منفرد اند . یک نفس بیشتر نداریم و نفس و ماسویها - همه تحولات و فعل و انفعالات درون همان نفس رخ میدهند روح الهی و قوه شیطانی درون همین نفس

و گفته‌ها بحثی مستدل و تحلیلی منطقی ارائه دهند؟ این یک شیوه کثیف و چندش- آور سیاسی است که از خصالت های استکباری و خودمحوری ناشی میشود . از آنجا که اینگونه اشخاص و گروهها و جریانات بشدت تحت تاثیر انگیزه قدرت طلبی هستند ، هر جریان دیگر را دشمن و مزاحم قدرت خود

رسم چنان شده است که هر کسی با گروهی خود را در برخورداری از همه خوبیها مطلق می‌کند . شاید تصور شود که ما خود را از هر نظر منطبق و هماهنگ با دیدگاه های اصل مکتب دانستیم . در صورتیکه هدف و تلاش ما آنستکه صادقانه در جهت اجراء صلاحات و انطباق هر چه بیشتر با اصول مکتب سیر کنیم .

دیدگاه‌ها

دیدگاه اشتباهات و لغزشهایی بچشم بخورد که باز هم آنرا منکر نیستیم و هر نقد و بحث مستدل در این زمینه را استقبال می‌نمائیم . نکته چهارم : غالبا " دیده میشود که افراد یا جریانات و گروههایی برای از میدان خارج کردن رقیبان و یا مخالفان خود و لو تخریب نقطه نظرها حریف به شیوه برجسته زدن و خلط مبحث و انحراف افکار از مساله اصلی و مغلطه و تزویر و دورویی متوسل میشوند ، چنانکه هم اکنون ، بطور مثال افراد و گروهها و جریاناتی متعلق به دیدگاههای (۱ و ۲) میگویند جریانات و اشخاص منتسب به دیدگاه سوم را با مارک و برجسب النقاطی ، اسلام مارکسیستی ، اسلام خرده بورژوازی و اخیرا " کمونیستی و توده ای از میدان بدر کرده اذنان توده



دنباله از شماره قبل

بس به استاد یک حدیث دم دنیا را گرفتند و با تکیه بر حدیث دیگری مدح آن را سرودند و برداشت خود را مطلق و همه جانبه دانستند عین گمراهی است. قرآن از یکطرف "دوستی شهوات، زینها، فرزندان، کبسههای جرمی مملو از زر و سیم و اسبان داغدار و چهارپایان و گشت و زرغ را زینت مردمان خوانده" (آل عمران/ ۱۷ - ۱۴) و از سوی دیگر "حیات دنیا را چیزی جز لیل و لعب و زینت و خودآرایی و فخرپوشی و جمع آوری مال و کثرت اولاد" نمی داند.



درس‌هایی از نهج البلاغه ویژه دانش آموزان

۶

پر خورده اولیاء الله بادنییا

دوستان خدا برخلاف ظاهر بینان، قشربون و عوام کالانعام عمق حیات و هدف آفرینش را دریافته، در هر حرکت و اقدام خود اهداف مانا، درازمدت و پایدار، نه کوتاهمدت، زوالپذیر و میرا را مد نظر دارند (سخن ۴۲۴) چون "بجشم آگاهی و عبرت به دنیا می‌نگرند" (سخن ۳۵۹) پس در دنیا می‌باشند مانند کسی که اهل آن نیست. بر اساس "آخرت بینی" و "بندگی نگر" عمل کرده، بدفع عذایی که از آن می‌فرساید می‌شنایند، بدنهایشان بین اهل آخرت در گردش است. اهل دنیا را می‌بینند که به مرگ جسمشان اهمیت میدهند در حالیکه ایشان به مرگ دلهاشان بیشتر اهمیت میدهند (خطبه ۲۲۱) دنیا آنان را بخود میخواند اما آنها دل از دنیا کندهاند، دنیا آنها را به قید و بند کشانده لیکن آنان با فدا کردن جانهاشان از آن رهیده‌اند (خطبه ۱۸۴).

لذتش می‌گذرد و رنج و عذابش می‌ماند؟ بخل و حسد و حرص و ولع، ریا و شرک و خودنمایی و خودپرستی و خودخواهی و خود فریبی و شکم پرستی و شهوت پرستی و جاه پرستی، مقام پرستی، تنبلی، کندهی، سستی ناکی و ناگذا؛ تا چه وقت باید فرصتها را چونان ابر از دست داد؟ و از کوچ کردن غافل ماند؟ تا کی چنان گوسفندی بوی خیال در علفزار دنیا می‌چریم و از آبخشور و با آلودش بهره‌ور می‌شویم و غافل از هدف چوپان، روزگار را سیر شدن می‌پنداریم و نمی‌فهمیم با چه خیالی این امکانات را در اختیار ما نهاده‌اند.

در این چند سالی که از عمرمان گذشته است، تاجه حد خصوصیات پیشازان انقلابی را بر خود سوار کرده‌ایم؟ تا چه حد در رشد خود و اجتماعان نقش داشتیم؟ تاجه حد اوقات خود را، در راه خدا و خلق گذرانده‌ایم؟ در پیروزی مرحله‌ای انقلاب چه نقشی داشتیم؟ آیا در خیل "نماشاجیان" و "بیت‌زدگان دیربازور" بودیم یا در زمره عمل‌کنندگان؟ پس از انقلاب چه کرده‌ایم؟ آیا صرفاً نق زده‌ایم و شعار داده‌ایم؟ یا جان برکف به درمان دردهای توده‌ها شتافتیم؟ و موصانه بر زخمهاشان مرمه گذاشته‌ایم؟ لحظه‌ای مکت کنیم! مطالعه را قطع کرده و به این سوال بزرگ بیندیشیم که "از کجا آمده‌ایم؟ در کجائیم؟ و به کجا می‌رویم؟" (رحم‌الله امرای علم من و این؟) فی‌الین؟ والی‌الین؟ (امام علی).

کان خارجا من سلطان بطنه فلايشتهی مالا یجد ولا یکترا اذا وجد: از تسلط شکم ادامه دارد

خود خارج بود پس چون چیزی را نمی‌یافت هوس آنرا می‌کرد و چون می‌یافت، زیادتر روی نمی‌کرد.

بزرگی دیگر هم‌زیم علی سلطه بر شکم و کنترل شهوت و خواسته است. برخوردی چه عیبی دارد؟ آیا تنوع‌طلبی غذایی اشکالی دارد؟ چرا باید کم غذا خورد؟ مگر نه ایست که هر کس کم غذا خورد ضعیف و لاغر و رنجور است؟ تسلط بر شکم یعنی چه؟ و...

در نظر اول ممکن است تعجب آور باشد که چرا امام در شرمند صفات یک مؤمن راستین بی از مسئله؟ کوچک‌شردن دنیا، ناگهان شکم و شکم‌پرستی را طرح کرده است و شاید برای رهائی از این مسئله جزئی!! سلطه شکم را سلطه نفس تعریف کنیم اما با کمی دقت متوجه می‌شویم که موضوع آنقدرها هم ساده نیست. برای روشن شدن موضوع مثال ملموسی می‌زنیم: یک زن کدبانو! و خانه‌دار! طبقه متوسط را در نظر بگیرد. صبح بعد از صرف صبحانه و شستن ظروف و تمیز کردن اتاق و جاروب کردن حیاط به نیمه نهار مشغول می‌شود، یکی دو ساعت در صف گوشت یا مرغ فروشی منتظر شده و یکساعتی هم با سوزن به معازنها در بی "بهترین" میوه و سبزی تلاش می‌کند، یکی دو ساعت نیز صرف بختن غذا، جیدن سفره و تزئین آن می‌کند، ابتکارها! زیادی بکار می‌برد تا هوای و سبزی را بصورت زیبا در کنار غذا بچیند، بعد سستن ظروف است و استراحت و تلاش برای تهیه شام، سپس تماشای تلویزیونی، گپی و یا سوزن به اقوام و در پایان خواب! روز بعد، روز از نو روزی از نو... خدا نکند که روزی غذا دیر شود یا بسوزد آنوقت بیا و ببین که چه غوغایی در خانه برپا می‌افتد.

دایره بسته فوق نهنها در یک خانه که در میلیونها خانه در سراسر جهان در اشکال گوناگون و با شدت و حدت کم و یا زیادتری تکرار می‌شود. حال اگر سعی و کوشش میلیاردها انسان بخاطر برطرف کردن نیاز گرسنگی را بیاد بیآوریم و فراموش نکنیم که هزاران میلیون نفر از صبح تا شام در سراسر جهان در پی یافتن کاری و راهی برای پرکردن همین "شکم" هستند و بیاد بیآوریم چه غارتها، قتلها و جنایتها و استعمارها در جهت ربودن "لقمها" صورت می‌گیرد، وقتی شب‌نشینی‌ها و سفره های پرشکوه، فیلم‌ها، شعرها، داستانها را در ذهن مرور می‌کنیم، وقتی بیاد می‌آوریم در فرهنگ بلوچ و بلوچستان ناهار معنا ندارد، وقتی می‌خوانیم که تهمانده غذای یکروزه آمریکائیا یک میلیارد جینی را در روز سیر می‌کند و جهان در "گرسنگی پنهان" بسر می‌برد، وقتی چهره‌های استخوانی و شکمهای باد کرده و پوستهای چروکیده کودکان و جوانان بیافرایی را بخاطر می‌آوریم، هنگامیکه امام علی را با کوله نان بر دوش در محلات فقیرترین مکه شبانگهان تجسم می‌کنیم، آنوقت است که درسی بیایم سیری‌ناپذیری آدمی چه معنا و مفهومی دارد و می‌فهمیم که "مسئله" گرسنگی، شکم و شکم‌پرستی نه مسئله عصر ما که مسئله بشریت دیرباز و امروز است.

ادامه دارد



برخی شهرهای دیگر به کار تجارت مشغولند. این امر، را در عین حال باید بعنوان نتیجه طبیعی جنگ و یکی از آثار مثبت آن تلقی کنیم زیرا تنها جنگ است که می‌تواند صف مبارزان مجاهدان راستین را از صف کسانی که عمری در تنعم زندگی کرده و ظاهر فریبنده ای نیز دارند جدا کند. با هرگز انتظار نداریم کسانی که تا آخرین لحظات پیروزی انقلاب در مقابل آن مقاومت کرده و پس از انقلاب نیز یا سر در آخور خویش برای جمع آوری پول و ثروت هر چه بیشتر تلاش می‌کرده‌اند و یا عملاً در مقابل خط حرکت انقلاب می‌ایستاده‌اند، اکنون که شرایط ابتلا فراهم گشته و سختیها، بی خانمانیها، و از دست دادن مال و جان فراهم رسیده، ایشان نیز در جنگ شرکت کنند. این زالوصفتان که تاکنون خون مردم را مکیده و در این شرایط سخت و بحرانی از شهر فرار کرده‌اند هرگز صلاحیت بازگشت به شهر را ندارند.

جهانخسوار و جنایتکاران تاریخ ندارد، هم اکنون بیش از هر زمان خواهان خاتمه یافتن جریان جنگ است زیرا هر چه جلو می‌رویم با توجه به مقاومت مردم ایران، بحرانهای اقتصادی - سیاسی و اجتماعی عراق روز بروز رو به تزاید است و از طرفی روحیه نظامیان عراقی نیز بشدت تضعیف شده، بعلاوه در شرایط سخت‌زستان نیز امکان مقاومت برای نیروهای عراقی کاهش می‌یابد. در این رابطه علت بمباران شهرهای خوزستان (دزفول-اهواز) را می‌توان چنین بیان نمود. ۱- خالی ساختن شهرها و افزایش بار دولت در رابطه با اردوگاههای مهاجرین جنگ و اداره آنها و در نتیجه فلج ساختن دولت. ۲- کاهش روحیه نظامیان در جبهه که طبیعتاً در صورت خالی شدن شهرها نظامیان نیز که پشت خود را خالی ببینند روحیه آنها تضعیف و مقاومتشان کاهش می‌یابد. ۳- انجام عملیات ایذائی بمنظور تضعیف روحیه نیروهای مقابل. ۴- در اثربمبارانها، فشار وارد بر مردم سبب می‌شود که مردم از دولت خواهان قطع جنگ شوند، که در این حالت عراق نیز به مقصود خود دست می‌یابد.

در مقابل مقاومت و حماسه آفرینی مردم شهر، عده‌ای از سر- مایه داران و فئودالها و طبقات بالای اداری شهر، از همان ابتدای شروع جنگ با تمام وسائل و تجهیزات زندگی از شهر فرار کردند.

ما همچنانکه تاکنون شاهد بودیم رشادت جانبازی و از خود گذشتگی پاسداران قهرمان و مردم ساکن شهرهای اهواز و دزفول و مقاومت سرسختانه آنها، سبب شده است که کلیه برنامه های دشمن با شکست مواجه شود، و تنها عامل اساسی و مهمی نیز که در آینده می‌تواند توطئه‌های دشمن را با شکست مواجه سازد، همین مقاومت تودم‌ای مردم است و اگر باین مسئله بهانه کافی داده نشود سرنوشت جنگ به نفع انقلاب تمام نخواهد شد. شکی نیست که اگر مقاومت مردم خوزستان نبود، هم اکنون در شرایط دیگر جنگی بسر می‌بردیم و این خود بهترین دلیل است تا به نقش توده‌ها در جنگ بی ببریم و ای کاش مسئولین نیز از این امر درس می‌گرفتند و مردم را برای مقابله با دشمن آماده ساخته، به صحنه اعزام می‌کردند.

هم اکنون در شهرهای اهواز و دزفول مردم همچنان در زیر خیمه‌ها به زندگی روزمره خود مشغولند در کلیه مراسم و برنامه‌ها مانند نماز جمعه، تشییع جنازه شهیدان، کک‌پرستی و فعالیت های عمومی دیگر شرکت می‌کنند در این رابطه باید توجه داشت که علیرغم آمادگی و بسیج نسبی مردم در شهر های نامبرده، بهلت برخی ضعفها از تمام بسیجی مردم استفاده کامل نمی‌شود، بطوری که ضایعات و عوارض ناشی از جنگ، مشکلاتی را بوجود آورده است که می‌توان در صورت برنامه ریزی صحیح آنها را رفع کرد. برای جبران این ضعفها باید: اولاً - ظرفیت نهادهای انقلابی مانند سپاه، بسیج و... جهت آموزش مردم و کمک رسانی به جبهه‌ها افزایش یابد. ثانیاً - با توجه به نقش مهم انجمن‌های محلی در داخل محلات در شرایط کنونی لازم است این انجمنها با ایجاد شبکه های کک رسانی با ضایعات جنگ مقابله نموده و بوضعیت کنونی که تقریباً "بصورت خود جوش اما بدون هیچ نظم و برنامه ای کارها انجام می‌شود خاتمه دهند. مسئله مهم و قابل طرح دیگر آن است که در مقابل مقاومت و حماسه آفرینی مردم شهر، عده‌ای از سرمایه داران، فئودالها و طبقات بالای اداری شهر از همان ابتدای شروع جنگ با تمام وسائل و تجهیزات زندگی ز شهر فرار کرده و بنا به قولی هم اکنون در

مقابله مقاومت و حماسه آفرینی مردم شهر، عده‌ای از سر- مایه داران و فئودالها و طبقات بالای اداری شهر، از همان ابتدای شروع جنگ با تمام وسائل و تجهیزات زندگی از شهر فرار کردند.

بقیه از صفحه ۸

آیا تنها با تهیه سلاح جبهه مادر مقابل امیر یاسم تقویت میشود؟

ضد امپریالیستی و ماهیت مردمی آن در خطر میباشد و بیم آن می‌رود که در حوادث سخت آینده نتواند بوظایف خود در دفاع یکپارچه از انقلاب و مکتب عمل نماید و بزرگتر تجزیه یا آلت اجرای مقاصد جریانات قدرت طلب قرار بگیرد. در حال حاضر تنها توده‌های میلیونی مردم ومومن ومبارزان که با ایمان واطمینان در رهبر خود امام خمینی صف مستحکم جبهه خلق را در برابر دشمن حفظ کرده‌اند و نضایح و هشدارهای بی‌دری و روزانه امام به مسئولان و جناحهای قدرت طلب و آلوده به خصائل استکباری و بینشهای انحرفی تاکنون بی تاثیر مانده است. از اینجمله است که باید گفت تا حذف عناصر و جناح های مرتجع و قشری یا سازشکار و لیبرال، صاحب خصلتهای استکباری از دستگاه اجرایی نباید نگران سرنوشت انقلاب و مبارزه ضد امپریالیستی بود.

حماسه مقاومت مردم خوزستان

بقیه از صفحه ۱

دشمن قراردارند و این خود از مشکلات اساسی و عمده این مرحله از جنگ و احتمالاً آینده آن است زیرا مردمی که در جریان جنگ بسیج نشده، آموزش ندیده و شرکت داده نشده‌اند بسختی می‌توانند ضایعات و بحرانهای پس از جنگ را هم تحمل شوند و نباید از آنان چنین انتظاری را داشت.

هم اکنون جبهه‌ها در حالتی ایستا و راكد تنها به تماشای منقطع توپخانه اختصاص یافته است، مردم نمی‌دانند آینده جنگ به کجا می‌رسد، وسایل تبلیغاتی مکتراقدامی درجهت آموزش مردم و بالا بردن سطح آگاهی سیاسی آنها انجام می‌دهند، مجلس در برابر جنگ سکوت کرده است، مردم کم کم آرایش خودشان بتوانند و باید کاری کنند تا امید گشته‌اند و منتظر عملی هستند تا از خارج به آنها کمک کند، برآستی آیا دست اندرکاران بسایم مردم مهم نمی‌اندیشند که چگونه می‌خواهند مردمی

شکی نیست که اگر مقاومت مردم خوزستان نبود، هم اکنون در شرایط دیگر جنگی بسر می‌بردیم و این خود بهترین دلیل است تا به نقش توده‌ها در جنگ بی ببریم.

بسیار ناقص قراردارند و جنگ بصورت یک امر عادی و فراموش شدنی برایشان درآمده است که طبیعتاً علت اساسی و مهم آن، عدم خواست دست اندرکاران جنگ در بسیج مردم و استفاده از کلیه امکانات مادی و معنوی آنهاست. می‌بینیم که تنها مردم خوزستان هستند که بطور عینی و ملموس با جنگ درگیرند و در معرض بمباران و حملات هوایی

شیوه برخورد اصولی و روش استدلال عقلی و منطقی!

رایس آموزیم

توحیدی" یا "دوطبقه توحیدی" گفته است شعار فوق را حذف کرده است! بسیار جای تأسف است که نویسندگان مجاهد این چنین به شکل گزافی افتاده اند و بجای اصالت دادن به ماهیت، این چنین به شعار و ظاهر عنایت می‌ورزند. اگر بخواهیم هر جریانی را از روی شعار بشناسیم و از روی سخن‌ها و شعارها به تفاوت درباره آن بنشینیم، آنچنان مرزهای حق و باطل مخلوط خواهد شد که تفکیک ایندوازیکدیگر ممکن نخواهد گشت. باید برسید روزنامه! مجاهد که شعار "جامعه بی طبقه توحیدی" را در زیر صفحات خود نمی‌نویسد به راست در غلغله؟ یا باز تراجاع کنار آمده؟

برادران و خواهران! اگر بهور شکستی تاریخی درک خرده‌بورژوازی از اسلام ایمان دارید، به سنت‌ها و قانونمندیهای اجتماعی هم ایمان داشته باشید و بدانید تفکر دگم و بینش مارتی و شکلی و خود - مطلق‌بینی و خودمحوری و سازمان محوری نیز جز شکست، آینده‌امی ندارد.

ما میدانیم چرا از جانب نثریه مجاهد خرده‌بورژوا نامیده می‌شویم، زیرا حاضر نشدیم در برابر خطاها و اشتباهات استراتژیک سازمان سکوت و ملاحظه‌کاری کنیم، اینک نیز بروشنی بموضع خود واقف و آگاهیم و می‌دانیم که اگر در برابر خطاها سکوت می‌کردیم، درجائی که نیروها و جریانات لیبرال این چنین از جانب سازمان مورد تأیید قرار می‌گیرند، باران القاب ضدامپریالیست، مترقی، انقلابی و کذا را نثارمان می‌کردند اما هیبتاً: "فاما لیزید فیذهب حقا و اما ماینفعل الناس فیمکت فی الارض" بگذار باران افترا بر ما بیارد که "هرچه از دوست رسد خوش‌است".

○ "رنجبر" هم در هفته گذشته از ادب - آموزان کشته و همصدا با دوستان لیبرال در ترویج "خط مورد نظر" کوشیده و ما را متهم ساخته آنجائی که اعلام کرده‌ایم "ما وظیفه داریم از همه امکانات موجود برای تهیه سلاح در مبارزه علیه امپریالیسم استفاده کنیم" شعار انحرافی داده‌ایم. باید پرسید اگر از همه امکانات علیه امپریالیسم استفاده نکنیم پس چه کنیم؟ جواب کسی که این سخن را انحرافی دانسته لابد این است که تخریب آقا علیه امپریالیسم نباید از "همه امکانات موجود" استفاده کرد، بلکه فقط بایستی از قسمتی از آنها استفاده کرد! و در نتیجه اجازه داد تا امپریالیسم تشریف‌بیابورد و آخر امپریالیسم امریکا روبرو است و باید حمایت شود و این امپریالیسم روس است که باید محور حمله قرار گیرد! و یا این که اصلاً از امکانات موجود علیه امپریالیسم نباید استفاده کرد! حاشا و کلا که امپریالیسم اگر خطی بهتر از این سراغ داشته باشد. خط امریکا این بوده و هست که به عمده‌کردن تضاد - های دیگری غیر از تضاد اصلی خلق که با امپریالیسم امریکاست بپردازد و صلی خود را از این آب گل‌آلود هم چنانکه بارها گرفته، بگیرد.

آیا این همان خط امریکا از زبان برزیلینکی نیست که اظهار کرده: باردیگر به رهبران ایران هشدار میدهم که خطر شوری برای ایران خطر اصلی است و اگر مانند گذشته با آمریکا دوستی کنند، از خطر هجوم همسایه شمالی بهتر میتوانند امان بمانند!

آنگاه نثریه رنجبر به نقل از مصاحبه چنین می‌افزاید: "و حتی با کمال وقاحت اعلام میکند: مرزهای جبهه ما تا هر جا که ملتی و یا دولتی ضد استعمار وجود دارد گسترده است." باید از این ادب‌آموزان و نطق‌دانان و مروجین برخورد‌های اصولی و منطقی پرسید اگر مرزهای جبهه مقاومت و مبارزه علیه امپریالیسم تا هر آنجا که ملتی و یا دولتی ضد - استعمار وجود دارد گسترش نیابد پس در چه بدعی گسترش یابد؟ ناچار یک راه بیشتر باقی نمی‌ماند و آن اینکه بایستی در ایجاد گسترش یابد. که دولت و یا ملتی استعماری وجود دارد!

تضاد قدرت، جبهه انقلاب و تمهیدات تازه سازشکاران

بقیه از صفحه ۲

حکومت عراق، با ادامه فشار اقتصادی و اشکال‌تراشی در حل مساله گروگانها و سخت کردن موضع امریکا و تحریک عوامل داخلی برای ایجاد جنگهای داخلی تازه و تحریکات نظامی در منطقه و خلیج فارس، حتی تشویق آنان به فشار به کشورهای که قول کمک مادی و تسلیحاتی به ایران داده‌اند، انقلاب را در تنگنای سختی قرار دادند تا نیروهای بیشتری از مردم از انقلاب جدا و ناراضی شوند و جریان همچنان بسود قدرت سازشکار پیش رود. طولانی شدن جنگ هم به حفظ و تقویت مواضع این جریان کمک می‌کند و از هر دو سو (داخل و خارج) اقداماتی برای ادامه آن انجام میشود.

سرانجام دول امپریالیست اروپائی میتوانند رهبری انقلاب را زیر فشار بگذارند و حل مسائل و برداشتن موانع را مشروط به روی کار آمدن جریان سازشکار نمایند.

نیروهای انقلابی و آگاه و رهبری انقلاب باید هوشیار این اقدامات و تلاشها و اعزام سفیران باشند و بیچیدگی فعالیتهای دشمن و ظرافت و مهارت و زیرکی سردمداران جریان سازشکار و خامت اوضاع اقتصادی و سیاسی چنان است که با سیاستهای ضعیف و تنگ‌نظرانه و با وجود یک جریان قشری و انحصارطلب نمی‌شود بمقابله آن شتافت. کشور چنانکه امام تأکید و آرزو می‌کند بیک کادر انقلابی و وحدت طلب نیاز دارد که تا فرصت بطور کامل از دست نرفته

نیروهای خط امام و عناصر و جریانات مترقی دیگر با احساس خطری که از ناحیه امپریالیسم انقلاب را تهدید می‌کند و نقش که جریان سازشکار در پیروزی طرحها و توطئه‌های امپریالیسم بازی می‌کند، وارد میدان شدند، حرکتی مستقل از حزب در جهت افشای توطئه‌های امپریالیسم و ماهیت جریان سازشکار اتخاذ شد.

موضع‌گیریهای مستقل امام و اقتای اصولی ماهیت جناحها و شخصیت‌های قدرت طلب و مستکبر و رهنمودهای روزانه آیتان سبب شده است که توده‌ها از توهنات غلط پیشین خارج شوند و خط امام و انقلاب را از دو خط حاکم تدریجاً جدا سازند. اکنون جریان سازشکار خود را با جبهه‌ای گسترده و نیرومند از توده‌ها و در راس آنها امام می‌بیند که در عین حال طرف مقابل یعنی حزب را هم بدست زیر سوال برده است.

سخان بی‌دری امام مبنی بر اینکه هر دو جناح و شخصیت‌های هر دو جریان حاکم اسیر استکبار و خصم‌های غیرتوحیدی هستند و تأکید بر اینکه هر دو از خط انقلاب و مصالح توده‌ها منحرف و نسبت به سرنوشت انقلاب و خونپنهای شهیدان بی‌اعتنا و تنها سرگرم منافع و مصالح شخصی و کسب قدرت‌اند، سبب شده است تا با بسیج و سازماندهی توده‌ها و اعمال سیاستهای قاطع انقلابی، جلوی گسترش ضدانقلاب و پیشرفت برنامه‌های امپریالیست را بگیرد.

معیار تصفیه چیست؟

بدست عناصر فداکار و مومن به انقلاب و مکتب انجام شود، نه بدست آنان که تا قبل از پیروزی هیچگونه اعتقادی حتی به شرکت در انقلاب و تجربه "سازنده" مردم نداشتند که برخی از آنان تنها هشتان مبارزه با بهائیت و بابیت بوده است. ثالثاً این حرکت در سطح تغییر مناسبات و روابط و جایگزینی مناسبات مکتبی و حذف عناصر خائن و ضدانقلاب، و ازسوی دیگر و همزمان با وضع مناسبات جدید، تزکیه و ساختن و هدایت سایر عناصر نهادها، انجام گیرد. بخوبی روشن است که کسانی که بدور از معیارهای مکتبی زیسته‌اند، اندیشه و عملشان مطابق با آن معیارها نیست، اما حق بود که صالحان در مسند تصمصم‌گیری واقع شوند و از اینگونه عناصر در امور اجرایی و تخصص‌های خاص خود در پرتو مناسبات جدید و با هدایت مکتبی و برخورد غیر - شخصی و صحیح بنفع انقلاب و مردم استفاده کنند. چه بسیار معلمینی که تنها بخاطر نپذیرفتن عقاید مسئولان آموزش و پرورش هنوز نیز محکوم به اخراج هستند و چه‌سا خائنین مخالف انقلاب که هنوز بر مسند خویشند. و باز چه بسا عناصر و افراد مومن به انقلاب که حاضر به فداکاری و شرکت در نهادها و آموزش و پرورش هستند اما صرف اینکه حاضر نیستند عقاید جزئی انحصارطلبان را بپذیرند، از خدمت به انقلاب و مردم محرومند.

مسئولان نواحی آموزش و پرورش و مسئولان سایر نهادها، با نمیدانند و یا بدنبال گرایشهای تنگ‌نظرانه و قشری و گاهی فرصت‌طلبانه و قدرت‌جویانه دست به اینگونه اعمال می‌زنند، اما خوب است توجه داشته باشند اینگونه اعمال تنها به نارضی ساختن منجر میشود و در نهایت حاکمیت سیاسی انقلاب را در معرض مخاطره قرار می‌دهد.

این چگونه دل سوختن برای انقلاب است که حاکمیت آنرا به بازی گرفته‌اید، آخرمگر شما صاحبان بلا منازع انقلاب خونبار ملت مسلمان ما هستید، شماکه بسیاریان حتی از بردن نام خمینی و مبارزه و شریعتی و حتی شرکت در مجالس و محافل دوران انقلاب هراس داشتید و تجربه انقلابی مردم را نیز مومن نبودید، چگونه بدون حق می‌دهید کتابهای معلم بزرگوار انقلاب را ممنوع کنید و مسئولین امور پرورشی را از خواندن آن منع نمائید. اگر هرچه زودتر در پی ارزیابی از عملکرد گذشته خویش برنمائید، طوفانی سخت در انتظارتان است.

در این بین مرتجعین و قشری‌نگرها و سادهمین‌ها ضروری نمی‌بینند، چرا که آنان با هر حاکمیتی ممکن است سازش نمایند، اما سخن با آندسته از برادران و خواهرانی است که ضمیری پاک و بیدارتر

طرد همه کسانی که با عقیده آنان مخالف بودند، پرداختند و ثانیاً ضد کمونیست بودن، پذیرش عقیده صاحبان قدرت و... را ملاک عمل و انتخاب و گزینش نمودند. در این جریان چه بسا اتفاق افتاد که بسیاری عناصر دارای صلاحیت و تخصص و یا حتی عناصری انقلابی و مکتبی صرفاً بخاطر اینکه به روشها و سیاستهای مسئولین و یا حمایت‌کنندگان ایشان انتقاد داشتند، مورد تصفیه واقع شدند و به انگ و مارکهای ضدانقلاب و ضدامام محکوم گردیدند. و چه بسا بسیار عناصر ناپاک با فرصت‌طلبی، خود را طرفدار انقلاب و امام جا زدند و در مناصب خویش باقی ماندند و یا ارتقاء مقام یافتند.

کم نبودند کسانی که بجرم گفتن حقی، از آموزش و پرورش و شغل معلمی که به آن علاقه و اعتقاد داشتند، و روح نیازمندی خود را نیز می‌پنداشتند، اخراج شده و مورد تصفیه قرار گرفتند. بسیاری از گزارشات و اطلاعات از توصیه‌های مکرر مسئولان نواحی آموزش و پرورش و معلمان و مسئولین امور پرورشی در مورد تفتیش عقاید، و مواظبت از اشخاص و مراقبت از اوضاع مدارس را دارد. انتظارات مسئولین نواحی آموزش و پرورش، از افراد امور پرورشی، در رابطه

تشکیل جلسات اعضای امور پرورشی هر ناحیه و رهنمودهایی که به آنها از طرف مسئولین نواحی داده میشود دقیقاً فقط در جهت تفتیش عقاید است و روش رشد استعدادهای دانش‌آموزان که مسئولیت اصلی اعضای امر پرورشی است در کار نمی‌باشد.

جامعه پس از انقلاب گشت. این عناصر که در کف حمایت بعضی کابوینهای قدرت نیز قرار داشتند، با برداشتهای شخصی و سلیقه‌های فردی و گروهی و بینشهای منفعت‌طلبانه، خود را محور قرار داده و با این روش به تصفیه در نهادها، بخصوص در آموزش و پرورش پرداختند. معیارهای جایگزینی و تصفیه انقلاب مشخص بود، اما این عناصر بملت عدم هماهنگی و حتی مخالفت بسیاری از آنها با انقلاب و حرکت امام در گذشته و برخورداری بخلاف دیگر، از بینشهای قشری و فرورمیست، و با وجود عناصری فرصت‌طلب و سودجو، در مجموع حرکت، در جهت خلاف مصالح انقلاب می‌بودند. هرچند عناصر جایگزین و مسئولان جدید طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دادند و گهگاه و هنوز هم عناصری یافت میشوند که کمتر تحت تاثیر افکار قشری و جزئی و یا خصم‌های منفی هستند، اما در عمل، آنها نیز در مجموع گرایشها، محکوم می‌باشند.

جریانات فوق بجای بکار بستن اصول اساسی انقلاب در تشخیص و گزینش افراد صالح و جایگزین ساختن آنها، اولاً به

مساله تصفیه نهادها، ادارات و موسسات در ابتدای پیروزی انقلاب، از جانب همه عناصر مومن به انقلاب و عناصر صادق مطرح بود و در این اواخر بدنبال اوج‌گیری تضادها و جناحی‌های داخلی، از جمله مسائلی که عنوان میشد، مساله "تصفیه" نهادها و موسسات بود که متأسفانه مغشوش بودن معیارها و عدم مرزبندی دقیق، چون گذشته امر را بر مردم روشن ساخت.

شدت گرفتن سیاستهای ارتجاعی، و افزایش قدرت باندهای ضد بهائیت و اعمال سیاستهای واپس گرایانه از جانب آنان، و برخورد‌های غیر اصولی دیگر این زمینه از جانب سایر جریانات، روشن - گری در مورد تصفیه ها و مرزبندی اصولی را ضروری تر نموده است.

قدرت یافتن و نفوذ و رشد سریع عناصر فرصت‌طلب و سودجو و تنگ‌نظر، و ارتجاعیون و قشریون، و باندهای ضد بهائیت!! که تمامی هم و غمشان مبارزه با این دشمن اصلی!! بوده است و حتی حرکت امام خمینی را نیز نمی‌کردند، در نهادها و ارگانهای اجرایی، و حتی تصمصم‌گیری سرعت موجب بروز بسیاری از اشکالات و ناراستیها در

تشکیل جلسات اعضای امور پرورشی هر ناحیه و رهنمودهایی که به آنها از طرف مسئولین نواحی داده میشود دقیقاً فقط در جهت تفتیش عقاید است و روش رشد استعدادهای دانش‌آموزان که مسئولیت اصلی اعضای امر پرورشی است در کار نمی‌باشد.

سالروز هجرت پیامبر هجرتی در درون و بیرون

در گستره صحرائ عربستان، در حالیکه ۲۳ سال از رنج و مشقت و شکنجه پیامبری بهمه امتش میگذشت و تمامی راههای شیطانی، از قتل، تهدید، ضرب و جرح و شکنجه و محاصره اقتصادی تا تلمیع و پیشهاد سازش و گرفتن ربتی و سروری قبیله‌ای، همه در برابر سپر فولادین ایمان و حرارتی که از قلبهای آتشین برمیخاست ذوب شده و نقش بر آب گردیده بود، ضرورتی نبود، پیامبر - حضرت محمد (ص) - را که از منبع وحی الهام میگرفت، واداشت تا برای حفظ حرکت نوشکنده اسلامی - که اینک می‌رفت تا علناً آماج تیغ‌های کافران گردد - تحولی عظیم در تکلیف باران و مجموعه واحداث پدید آرد و جنبش را در راستای جامعه توحیدی، با کیفیتی نو آشنا ساخته و راهبر گردد. و اینچنین بود که "هجرتی" نور تاریخ رقم خورد.

هجرت، نه به معنی صرف تغییر مکان از نقطه‌ای به نقطه دیگر، بل در معنای وسیع که عالمی از تحول و حرکت و تکامل را حامل است. هجرت نه برای فرار از میدان مبارزه، که در کنار جهاد و هجرتی که مسافرتی مجاهد است و بدینسان حرکت پیامبر برای یافتن پایگاه برای مبارزه با نظامی منحط صورت می‌گیرد که ناچندی قبل هرگونه حرکت برای تکامل و خداگونه شدن را رسد بود.

هجرت منتقلکننده پیام مکتب بود برای یاران (انصار) دیناری (مدینه) و تمامی نویسندگانی که از آن پس موجودیت میآفتند، کاروانیان مهاجر و حامل پیام. آنانی که به تمامی افکار منجمد و بوسیده و منحن قبائلی پشت‌پازده و خانه و دیار و خانواده و مال و اندوخته را پشت سر نهاده بودند تا به هدفی والاتر دست یابند و از خود شخصیتی نوین سازند. "والذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لیتوبنهم فی الدنیا حسنة والا جزأ اخره اکبر لوکانوا یعلمون".

و بالاخره مهاجرین که برای آزادسازی جامعه و بی‌ریزی بنیادهای جامعه توحیدی دست به هجرت زده و از دیار و کاشانه خود بریده بودند، همراه با این هجرت برونی، هجرتی را در درون نیز آغاز می‌کردند. هجرتی برای نابودی خویشتن موروثی و انسانی خودآگاه شدن، هجرتی از اسفل‌السا فلین به اعلایین، هجرت از لجن تا روح و از خود بسوی خدا، با بریدن از تمامی بندهای نفسانی و شیطانی برای خداگونه شدن، چه برای رسیدن به جامعه ایده‌آل و توحیدی به هجرتی هم‌جانبه نیاز است، هم هجرت در درون و هم هجرت در بیرون.

معیار تصفیه چیست؟

بقیه از صفحه ۱۰

سیاستهای جذبی در رابطه با عناصر مومن به انقلاب.

۴ - استفاده از نخصص افرادی که حاکمیت انقلاب را پذیرفته‌اند، و صادقانه در جهت آن تلاش میکنند، و بکارگیری نخصص آنان با برقراری مناسبات سالم مکتبی و پرورش اینگونه افراد در جریان عمل.

۵ - تصفیه عناصری که دارای صلاحیت فکری و خصلتی نیستند و سوجدویانه و فرصتطلبانه و از روی شیئگی مقام و پست جذب نهادها شده‌اند و بدروغ حاکمیت انقلاب و امام را پذیرفته‌اند، و خود و منافع خود را تحت لوای آنان و پوشش انقلاب حفظ می‌کنند.

۶ - حذف روشهای تفتیش عقاید و آزاد گذاشتن مسئولین امورپرورشی در چهارچوب اصول یادشده، و هدایت آنها.

نیاید انتظار داشت که با ادامه اعمالی همچون گذشته، آینده‌ای درخشان در پیش رو باشد، باید دانست که دستها و حرکتها خاش و ضدانقلاب و فرصتطلب، از این اعمال به نفع حاکمیت خویش سود خواهند برد.

ایجاب میکند که جنبه، درونی انقلاب محورها و مرزبندیهای مشخصی را در رابطه با حذف و جذب جریانات و عناصر بکار کرد و بکار بندد تا حاصل این مرزبندیها انحصاری اصولی و عملی در برخورد با جنبه، باطل گردد. این مرزبندیها عبارتند از: پذیرش حاکمیت سیاسی انقلاب، دشمن شمردن امپریالیزم جهانی بسرگردگی امریکا، پذیرش هویت مکتبی انقلاب، پذیرش رهبری امام و اعتقاد به سازش‌ناپذیری این رهبری، اعتقاد به حرکت انقلابی - اسلامی کنونی برای کسب استقلال سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و نظامی و آزادی مکتبی.

۲ - اصالت به برقراری مناسبات مکتبی و انسانی در نهادها، و مقدس شمردن و اصالت به اصل تزکیه و مقدم شمردن و ساختن افراد - برادری - حذب و طرد آنان و پیشگیری روش صادقانه و بحث و افتخار با عناصر و افراد ناآگاه و هدایت آنها در یک پیرویه و جریان دراز- مدت.

۳ - طرد سیاستها و عناصر و روشهای تنگ‌نظرانه و ارتجاعی و سازشکارانه، ضد- انقلابی، و برهیز از هر نوع خودمحوری و حاکمیت عقیده خود بردیگران، و پیشگیری

دارند و لاف از انصاف برخوردار هستند اگر بخود نیابند و بفکر مصالح انقلاب و مکتب و مردم نباشند و دست به یک تزکیه در خویش و در اطرافیان خود نزنند، آینده‌ای ناگوار را برای انقلاب و مردم و آموزش و پرورش ترسیم می‌نمایند.

امید ما از بیان این سخنها، از یکسو حذف عناصر فرصت طلب و تنگ‌نظر و باندهای غیرمؤمن به انقلاب و خطاصیل آن، و از سوی دیگر اتخاذ سیاستهای جدیدی در رابطه با عناصر مؤمن به انقلاب و معیار قراردادن اصول اساسی انقلاب و بالطبع از بین بردن ریشه‌های نفوذ و رشد عناصر و جریانات فرصت طلب و مخالف انقلاب و حاکمیت کنونی آن میباشد.

سخن ما از سر درد است و فریاد و اعتراضان، دلسوزی برای انقلاب و مردم و مکتب و مصالح انقلاب و برای آینده‌ای برادران و خواهرانی که گرايشی به دور ریختن اینگونه روشها دارند. از اینرو بیان چند نکته در انتها ضروری است:

۱ - مصالح اساسی انقلاب در شرایط کنونی، که امپریالیزم جهانی بسرگردگی امریکا حاکمیت انقلاب و ماهیت رشدیابنده آنرا هدف تهاجمات خود قرار داده است،

گزارشی از روستای توکام

روستای توکام جز چهاردانگه ساری و دارای پنجاه خانوار میباشد. در این ده فتودالی بنام سیدعبدالله برومی که ۵۰ هکتار زمین در اختیار دارد (در صورتی که بعضی از کشاورزان از داشتن زمین محرومند) روز بروز تسلطش را بر کشاورزان زحمتکش و محروم این روستا افزایش می‌دهد. نامبرده در زمان انقلاب اسلامی خونبار ملتجان یک نفر روحانی را که برای ارشاد و آگاهی دادن به مردم آن روستا به توکام رفته بود دستگیر و دست‌وپا بسته تحویل ژاندارمری کیاسر می‌دهد و در حال حاضر که میبایستی سایه شوم اینگونه افراد از سر کشاورزان عزیز و محرومان کوتاه شود، در نهایت بی‌شرمی و با سوءاستفاده از تفاوتی مسئولین و دست‌اندرکاران، در همان منطقه نفاق و دودستگی ایجاد کرده و با طرح عمرانی جهاد سازندگی در آن روستا مخالفت می‌کند و با نفوذی که وی در شرکت تعاونی روستای توکام دارد، مایحتاج روستائیان زحمتکش اعم از صابون، برف، روغن، را که از طریق تعاونیها به آن شرکت فرستاده میشود بوسیله عمال سرسپرده‌اش که در همان شرکت کار می‌کنند در اختیار کسانی قرار می‌دهد که از این خائنین حمایت می‌کنند. روستائیان نیز بعلت عدم آگاهیشان و رقت‌بار بودن وضع اقتصادیشان مجبورند تن به خواستهای این فتودال بدهند. و با نهایت تاسف و تأثر مسئولین امور هیچگونه اقدامی در رابطه با این اعمال ضد‌مردمی انجام ندادند و اکنون که ۲۲ ماه از انقلاب خونبارمان می‌گذرد و مردم مسلمان و از جان گذشته ما هنوز برای تداوم انقلاب خون می‌دهند، امیدها و آرزوهای این مستضعفین بوقوع نیبسته. به امید روزی که سایه شوم فتودالها از سر کشاورزان محروم کوتاه شود.

چرا بهمن شکوری اعدام شد؟

انقلاب اسلامی را مخدوش اعلام کنند و خائینکاران و ضدانقلابیون را معصوم جلوه دهند، امثال چنین اعدام‌ها و محکومیت‌هایی خوراک تبلیغاتی امپریالیسم را بوجود آورد در جایی که امثال تیمسار باتمانقلیج که از طراحان جریان کودتای ۲۸ مرداد بوده و خون هزاران شهید را بگردن دارد، تنها به سه سال محکوم شود و برای یک اعلامیه چندین و چند سال و برای یک سب اعدام! امثال این ناهسانیها در احکام دادگاههای انقلاب اگر تکرار شود، خود - بخود اعتماد توده را نسبت بدان گاسته و وسیله‌ای در جهت سوءاستفاده جریانات ضدانقلابی خواهد بود. ما در اینجا نظر مسئولین دادگاهها و دادستانیهای انقلاب را نسبت به وظیفه خطیر خود یادآوری کرده امیدواریم توضیحی کافی در مورد علت اصلی اعدام بهمن شکوری در اختیار مردم قرار دهند و با دقت نظر بیشتر خود جلوی سوءاستفاده ضدانقلاب و جریانات انحرافی را بگیرند.

بدنیال اعدام بهمن شکوری اسنادی که افشا شد، حاکی از آن بود که محور محاکمه او بر حول سب به ائمه و معجزات دانستن زیارت قبور ائمه و عناوینی نظیر آن بوده است. برای مابین عمل جای بسیاری سوالها را بازمی‌کند.

ما از دادستانی انقلاب اسلامی مرکز سوال می‌کنیم آیا این روش برخورد مکتبی با چنین مسائلی است؟ آیا اگر در زمان خود ائمه کسی آنها را سب و لعن می‌کرد، چگونه پاسخ می‌دادند؟ مگر رفتار امام علی را در برابر کسی که به او فحش میدهد، فراموش کرده‌اید که میگوید تنها یا باید جواب او را داد یا او را بخشید؟ کجای احکام فقهی چنین مسائلهای تصریح شده که سب ائمه حکم اعدام دارد؟ آنهم برای کسی که دچار ناراحتی عصبی است و اختیار و کنترل اعصاب و روان خود را در دست ندارد! برآستی مایه تاسف است در حالی که بلندگوهای امپریالیسم بدنبال بهانه‌ای می‌گردند که احکام دادگاههای



برای باتمانقلیج فقط سه سال؟! در حالیکه...

مقاومت هیئت هفت نفره اراک در مقابل فتودالها

محمدسالارمنش ۷۵۰ هکتار در بخش فراهان مهدی افتخاری ۵۰۰ هکتار در بخش مشک‌آباد دکترکارگشا ۲۰۰ هکتار در بخش شرا محسن خسروانی ۳۰۰ هکتار در بخش فراهان. مغنیان و کاظمی ۲۵۰ هکتار مجلی ۲۲۰ هکتار در بخش شرا. حاجی‌عبدالله سلمیان ۲۰۰ هکتار در حاجی‌آباد.

هیئت هفت نفره تقسیم زمین در اراک توانسته تقریباً تمامی املک دهقانان محروم را از غاصبان بازستاند و زمینهای زیرکشت شهرستان اراک را از ۹۰۰۰۰ هکتار به ۱۳۰ هزار هکتار افزایش دهد. نکته‌ای که باید هشدار داد، اینست که هم‌اکنون توطئه‌های عظیم در شبکه‌های گسترده که

لیبرالها، روحانیون مرتجع و سرمایه‌داران وابسته) بر علیه خط امام و حاکمیت انقلاب و نیز گشودن جبهه‌هایی تازه در برابر خط انقلاب و رهبری سازش - ناپذیر آن در جریان است. اما روستائیان بیدار و حقی طلب ما با توجه به پیام علی علیه‌السلام: ما رأیت ثروه موفوره الا و فی جانبها حق مضیع (کنج سرمایه‌داران حاصل رنج فقیران و مستضعفان است)، خود جوابی دندان شکن به این توطئه‌ها خواهند داد و از حقوق خود با جنگ و دندان، دفاع خواهند کرد. روستائیان میگویند: در صورتی که بخواهند زمینها را از دست ما خارج کنند، ماهزاران دهقان زجرکشیده با بیل و داس خود و با پای پیاده به شهر خواهیم ریخت و توطئه‌گران فتودال و مرتجعین را بر سر جای خود خواهیم نشاند.

دیدار

به پیش برادران، به پیش فریادتان رساترباد در تیرگی این شب ظلمانی فراوان به شما محتاجیم خورشید را باور کنید سپیده نزدیک است.

اینک آغازی دیگر باید جبهه را مهیا کرد باید خلق را به پیش راند دیدار ما سهمگین است و پر بار سرود رهایی را باید که سرداد برای آزادی

اینک مرد پیکار و رزمیم ما وحدت پرصلابت خلقیم آری برادران

به پیش اینک شما جنگل سبز طریقتید زبانه گرم آتشید سنگر سرخ شهادتید به پیش برادران جبهه را مهیا کنید جبهه را از وجود خائنین پاک سازید.

که دیگر وقت روروشی است با دشمن زمان نبرد است با امریکا و شکست سدی و تلاؤ لو دیداری دیداری همه فریاد و حماسه دیدار با آزادی

آری برادران! ما پیروزیم ما پیروزیم.

دیدار آشنای تاریخ است ما باردار حادثه‌ایم در میدانگاه مبارزه

حرب واره

هلپلی، هلپلی
هلپلن
زنان نخل و شرچی
هلپله‌ی سرخ‌وش‌تان
جنبش و پایکوبیست.
آنگ!
آفتاب را
غباری سخت گرفته،
از جنبش رقص حرب شما
از غریو سرخ شما
عدو می‌لرزد
عدو می‌لرزد.

(۱) به هنگامی که مردان عرب رقص با تنگ می‌کنند، زنان هلپله می‌کنند.

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز در رابطه با تهدیدهای اخیر امپریالیسم امریکا

بنام خدا

امت قهرمان و رزمنده ایران در طول سارزه با استکبار جهانی دریافتند که با این گرگ خونخوار آتشی و نغاهم غیرممکن و هرگونه اعتماد واطمینان، حاصلی جز افاندن در کلام و استیغی و اسارت ندارد. از زوری که مجلس رسیدگی به سرنوشت گروهانهای جاسوسی را در دستور کار خود قرار داد، هشدار دادیم که برخورد با مساله گروهانها در این شرایط، امپریالیسم مکار امریکا را تشویق نمیکند که بر فشار خود سغزاند. به این تصور که مقاومت ملت ایران ضعیف گشته است، راه فریب پیش گیرد. تصمیمهایی که دولت برای قبول پاسخ امریکا در نظر گرفت، تا حدود زیادی به امریکا نشان داد که در محاسبات خود یکبار دیگر اشتباه کرده است و مردم مبارز و مسلمان ایران و رهبر سازشناپذیرش امام خمینی پیروی از امام و پیشوای خود سرور شهیدان حسن بن علی (ع) هرگز حاضر نیستند در همه مستضعفان اقتصادی زندگی توأم با غایت را بیعت ذلت و خواری بدست آورند. ملت ایران مصمم است تا کسب استقلال کامل و درهم شکستن توطئه های استکبار جهانی در سراسر دنیا و آزادی همه مستضعفان را بنبرد مقدس خود ادامه دهد. ملت ما از بسیاری توطئه های امپریالیسم آگاه است و میداند تبلیغات سیاسی جریانات سازشکار داخلی بی ارتباط با توطئه های امپریالیسم نیست. میداند که امپریالیسم می کوشد مقاومت مردم ایران را با فشار اقتصادی و اعتقادی و آتشی و تفرقه و دشمنی درهم شکند. میداند که امپریالیسم با روح شایعات و تبلیغات زهرآگین تلاش می کند اعتماد مردم را به انقلاب و رهبری آن سلب، و وحدت رهبری را از بین ببرد و بین مردم تفرقه بیندازد. میداند که امریکا و امپریالیستهای اروپائی و ژاپنی متحدند که تفرقه اندازیها را تقویت و آنها بعنوان وسیله ای برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بکار برند. میداند که نقل و انتقالات نظامی امپریالیسم در منطقه در خلیج فارس و اقیانوس هند و تهدیدهای مختلف گوشه های دیگری از فشارهای امپریالیسم علیه انقلاب ایران میباشد. میداند که امریکا به این تاکتیکها اکتفا نمی کند و هر روز که از مقاومت مردم بیشتر می گذرد، طرحهای جدیدی را به مرحله اجرا می گذارد. دامن زدن به جنگهای داخلی، تحریک تضادهای قومی، تشویق و تسلیع جریانات انحرافی سازشکار و گروه های وابسته و ضدانقلاب داخلی علیه انقلاب و رهبری آن از جمله این طرحهاست. عکس العمل ریگان رئیس جمهور امریکا در برابر شرایط دولت ایران مشابه عکس العمل رئیس جمهور وقت امریکا در برابر پیشنهادات دولت ملی دکتر مصدق میباشد. پاسخ رئیس جمهور امریکا در حقیقت اعلام تصمیم امریکا به اجرای طرح کودتا و سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق بود، بعدها آشکار شد که از مدتها قبل مقدمات

طرح کودتای ۲۸ مرداد فراهم شده بود. عکس العمل ریگان ثابت می کند امریکا مصمم است همه تلاش خود را در سرکوب جنبش اسلامی و رهبران امام خمینی بکار برد. امریکا می کوشد تا شرایط داخلی ایران را برای اجرای یک طرح براندازی از راههای سیاسی و نظامی کمک عوامل داخلی و جریانات سازشکار و دوستان خود در منطقه مرحله اجرا بگذارد. برای مساعد کردن زمینه، این طرح از داخل و خارج بر فشار خود می افزاید. امریکا این بزرگترین قدرت جنایتکار تاریخ سنگ بنای تمدن شیطانی خود را بر خون و سرنوشت یک قوم و در سرزمینی که به او تعلق نداشت بر زمین گذاشت و از آن پس هر خشت بنای اهریمنی و استکباری خود را با خون و جنایت و آدم کشی، قتل عام و استثمار، فریب و خدعه، کودتا و جنگ و کشتار، جاسوسی و دسیسه بالا برد و از کاربرد همه وسایل و ابزارهای ضد انسانی، از یمت انمی تا هروئین، از مواد شیمیائی تا ترورهای سیاسی، از شکنجه و زندان و تبعید تا سوزاندن جنگلها و مزارع و صدها شیوه دیگر جنایت خودداری نکرده است. اگر ضایعات و آسیب حاصله از اعمال همه جنایتکاران تاریخ را جمع کنیم حتی به یکپارم جنایتهای بی شمار امریکا، از لحاظ کمیت و کیفیت نمی رسد. بی دلیل نبوده که امام آترا شیطان بزرگ نامیده است. ما آگاهی که طرفداران سازش با غرب خواهند گفت که چون موضع گیری ریگان و توطئه های جنایتکارانه اش علیه استقلال و انقلاب ایران عکس العمل جنبش انقلابی و اقدام قاطع ملت ما در برجیدن بساط جاسوسی امریکا در ایران است، پس ملت نمی باید علیه سلطه امریکا بی اختیار استند! میدانیم که میگویند دشمنی های امریکا و اروپا باعث انزوا سیاسی ما شده است! اگر جاسوسان را گروهان نمی گرفتیم، یا آنها را آزاد می ساختیم، امریکا با ما دشمن نمی شد! بدین خاطر بار دیگر تصریح می کنیم که دشمنی امریکا از ماهیت و تأسی می شود و تا وقتی انقلاب ما ماهیت خود را عوض نکرده و راه سازش پیش نرفته، خصومت و کینه تیزی امپریالیسم ادامه خواهد داشت. در این شرایط حساس که از هر جهت ما تحت فشارهای سیاسی، نظامی، روانی امپریالیسم قرار داریم، لازمست:

۱- سیاستهای سازشکارانه بطور قاطع رد و جریانات و باند های ارتجاعی اخلاکگر در مبارزه ضد امپریالیستی از صحنه طرد شوند. حوادث هفته های اخیر ثابت کرده است که روشها و اقدامات جریانات سازشکار و گروه های همراه و همگام آنان از یکسو و عملگر و روش باند های مترجع و جریانات قشری و برخورد شخصیت های مستکبر و قدرت طلب از سوی دیگر، تضادهای داخلی را به نفع دشمن تشدید کرده و بر وحدت ملت لطمه وارد ساخته است. متأسفانه با وجود توصیه های مکرر امام خمینی نتوانستیم از

اولین سالگرد گردهمایی جنبش های آزادی بخش در تهران

افشای توطئه های مستمر و مداوم امپریالیسم امریکا علیه انقلاب اسلامی ایران، روشن شدن ماهیت سازشکاری دولت موقت! آشکار شدن چهره های وابسته و مزدور، قطع امید امریکا از خط سازش، شکست مقطعی لیبرالها، قطع رابطه با امریکا، تعمیق مبارزه ضد امپریالیستی مردم مسلمان ایران، تنها اثرات و بی امد های حرکت انقلابی تسخیر لانه جاسوسی امپریالیسم امریکا توسط دانشجویان مسلمان نبودند. از آنجا که جنبش حرکتی با این گستردگی و ابعاد و با چنین شیوه و با اهداف و مقاصد مشخص، در کشورهای زیر سلطه امپریالیسم بی سابقه بود، بویژه آنکه این حرکت در کشور تازه از بند رسته و منقلب ایران که امریکا را دشمن غائی و نهائی خویش می پنداشت و می پندارد، انجام گرفت، لذا بروی تمامی ملل در بند و همه جنبشهای رها تبخیش تأثیری شگرف و عمیق برجای گذارد.

در دی ماه گذشته جندی پس از تسخیر سفارت جاسوسان امریکا، از جانب دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، از جنبش های آزادی بخش جهان، دعوت بعمل آمد که این گردهم آیی نیز با این وسعت و انعکاس وسیع آن در جهان، بویژه در میان خلق های تحت ستم، خود از نقاط عطف و اولینها بود.

از آنجا که دولت سازشکاران در طول دوران چند ماهه حکومت خویش با اعتقاد به عدم صدور انقلاب از نزدیکی به دول مترقی و حمایت از جنبشها، مانعت کامل بعمل می آورد، و انقلاب و شعارهای آترا منحصر به درون مرزها می دانست، این دعوت پس از گذران چند ماه از انقلاب ابعاد بیشتری پیدا نمود. در حقیقت این اولین روی خوشی بود که انقلاب ایران به انقلابیون سایر نقاط جهان نشان داد، چرا که هم دول مترقی و هم جنبشهای انقلابی از آغاز پیروزی انقلاب، انتظارات زیادی چه بلحاظ برقراری ارتباط نزدیک با آنان و چه از نظر حمایت مادی و معنوی از سوی انقلاب اسلامی داشتند که این در توان بینشی و خصلتی لیبرالهای حاکم نمی گنجید. دانشجویان مسلمان که به سفارشات مکرر امام در خصوص صدور انقلاب و حمایت از خلق های در حال نبرد با استکبار جهانی و نیز اصرار بی حد مردم در پشتیبانی از آرمان رهائی خلقها بویژه خلق قهرمان فلسطین پی برده بودند، امکانات این

تجمع را که قدمی بسیار کوچک در تشکیل جنبه واحد مستضعفین بود، فراهم آوردند. اسرار بر صدور انقلاب، از آنجا اهمیت می یابد که چند روز پس از پیروزی ۲۲ بهمن با ورود برادر یاسر عرفات به ایران، تظاهرات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در تهران برپا شد و برای نخستین بار شعار رهائی فلسطین مطرح گردید و از جانب امام نیز روزی بعنوان روز قدس نامگذاری شد.

خوهران و برادران مبارز خارج از کشور برای ادامه نشر و توزیع امت و جوهر نشریات ارسالی را هر چه زودتر برداخت نمائید.

نشریه جنبش مسلمانان مبارز سال دوم شماره ۹۰ روز نظر شورای نویسندگان

خبا بان بهار شمالی نیش ناتجو منطقه ۱۵ سنی ۸۲۳۹۸۲

باید تختی جهان پهلوان غلامرضا تختی فرزند دلیر خلق، از میان مردم برخاست و همه گاه با مردم بود و برای مردم، ز هیچگاه ب مردم خویش پشت نکرد و هیچ لحظه هم در مقابل رژیم وابسته کوتاه نیامد و جز خدا کسی را شایسته سر خم کردن در مقابلش نیافت و در معامله حیثیت و شرافت بانان و نام مشارکت ننمود. جهان پهلوان از استثنا های دوران خفقان ستم شاهی بود. سالروز شهادت جهان پهلوان گرمی و یادش همواره در قلب ملتی که از میان پائین ترین اقشار آن برخاسته بود بلند آوازه باد.

حقانیت علی داد. علی که خلافت خویش را برای وصول به جامعه بی طبقه آغاز کرده بود، در این دوران در سه جنبه مشخص پیکار می کرد: سرانجامی جز شهادت نداشت. با خالی شدن صحنه از علی، امام پسر نخست وی عهده دار رسالت امامت گردید، اما همان نیشها و همان تیغهایی که بر قلب و فرق پدر فرود آمد، بر دل پر صبر و برد دردم پسر نیز باریدن گرفت. صبر انقلابی امام حسن نیز مقطعی قابل تعقی در این دوران می باشد.

ستاره دوم امامت نیز در ۲۸ صفر سال ۵۰ توسط کوردلان نشانه رفت اما از آنجا که هیچگاه حرکت توقف پذیر نیست، سکوت علی و صبر حسن، دیگر در رگهای پرجوش حسین تاب و طافت نیاورد و پرخاشگرانه فوران زد، فورانی که سرخیش تاهنوز و همیشه باقیست.

لیبرالیسم جاده صاف کن امپریالیسم